

■ خدا واقعا وجود داره؟

چجوری خدایی رو که نمی بینم باور کنم؟



خدا واقعا وجود داره؟

چجوری خدایی رو که نمی بینم
باور کنم؟

■ اگه خدا واقعا وجود داره، پس چرا واسه مشکل های دنیا کاری نمیکنه؟
احتمالا پیش اومده که بالاخره یه بار از خودتون بپرسین خدا واقعا وجود داره؟
اصلا خدا کجاست و چجوری خدایی رو که نمی بینم باور کنم؟ اگه خدا همه جا
هست و عالم و قاده پس چرا من رو از وسط این همه بالا و پایین و مشکل های
زندگی در نمیاره؟

البته ما خیلی هم تقصیری نداریم! چون به جای اینکه بدونیم خدای واقعی کیه
و چه ویژگی هایی داره، واسه خودمون یه خدای خیالی ساختیم! که اگه اونجوری
که دوست داریم رفتار کنه خدای خوبیه و هر وقت چهارتا دست انداز بندازه توی
زندگی مون، تبدیل میشه به یه خدای بی رحم و نامهربون!

یه همچین خدایی نه فقط مشکلی از ما حل نمی‌کنه که خودش میشه عامل یکی از سوال‌ها و دلخوری‌هامون! حالا سوال اینجاست که خدا واقعا همین جوریه که ما فکر می‌کنیم؟



من و تو
دوستیم



QR کد را اسکن کنید.

● احمد بدجوری از زمین و زمان شاکی بود. یه جوری حرف می‌زد انگار خدا فقط نشسته، ببینه کی می‌تونه یه چوب دیگه لای چرخ زندگیش بذاره.

■ مشکل از یه جای دیگه‌ست!

میدونین چیه؟ اصلا مشکل از جای دیگه‌ست. بالاخره ما واسه شناختن خدایی که کمال مطلق و بی‌نهایتته یه مقدمه‌هایی لازم داریم دیگه! آخه خدا رو که نمی‌تونیم همین جوری ببینیم و باهاش ارتباط بگیریم! لازمه از روی چیزهایی که آفریده بشناسیمش! که با اجازه‌تون کامل‌ترینشون هم میشه انسان! پس اگه آدم رو نشناسیم و ندونیم قیمتش چیه، راجع به سازنده‌اش هم نمی‌تونیم یه نظر درست و حسابی بدیم!

خب معلومه کسی که فرق یه ماهواره تحقیقاتی رو با یه جعبه نمی‌دونه، نمیتونه راجع به علم و سواد دانشمندی که ماهواره رو ساختن، نظر بده! پس اگه خودمون رو درست بشناسیم، حداقلش اینه که میفهمیم خدایی که یه همچین موجود پیچیده‌ای آفریده، خودش انقدری قوی هست که بتونه اوضاع ما رو سر و سامون بده!

وگرنه میخوایم خدا رو تا حد و اندازه خواسته‌های خودمون پایین بیاریم و واسه خودمون از یه کمال بی‌نهایت، یه خدای خیالی کوچیک و بی‌عرضه بسازیم!

■ خدای واقعی کجاست؟

حالا اصلا این خدای واقعی کیه و کجاست؟

شاید براتون عجیب باشه ولی واسه شناخت خدای واقعی باید اول از همه تکلیف خودمون رو با «وجود» و ویژگی‌هایی که داره، روشن کنیم! چرا؟ چون اگه معنی «وجود» رو درست نفهمیم، تعریفمون از خدا که همون هستی مطلق و وجودیه که توی کل عالم جاریه، اشتباه میشه! البته تشخیص وجود به این آسونی‌ها هم نیست! یعنی لازم داره که ما عینک عادت رو از روی چشممون برداریم! چون از بس با مدل‌های مختلف وجود سروکار داشتیم که دیگه به این آسونی‌ها نمیتونیم تشخیص بدیم! درست مثل یه ماهی که تشخیص آب و اسش سخته!

اگه خدا هست، پس کجاست؟

برای درک خدا لازمه قبلش بدونیم
وجود چیه!

یعنی **خدا همه جا هست!**

چون **خدا یا الله همون وجوده؛**
که وقتی جلوه می‌کنه و خودش رو تو
قالب‌های مختلف نشون میده، ما تازه
می‌تونیم درکش کنیم!

برنامه‌نظر

انواع وجود چیه؟

ما هم با انواع و اقسام وجود احاطه شدیم! از وجود حسی گرفته که پایین‌ترین مرتبه وجود به حساب میاد، تا وجود خیالی و وهمی و عقلی و فوق عقلی!

• وجود حسی:

حالا این وجود حسی یه وقتایی انقدر بو و رنگ و حجم و این جور نشونه‌ها داره که میتونیم راحت تشخیصش بدیم، مثل سنگ و چوب یا دست خودمون! بعضی وقتا هم یه علامت‌های کمی از وجود حسی رو داره که به سختی تشخیصش میدیم، مثل هوا! ولی بالاخره وجود داره، چون میتونه روی چیزای دیگه اثر بذاره!

• وجود خیالی:

مرتبه بعدی هم وجود خیالیه که که ماده رو حذف میکنه ولی شکل و صورت و اندازه و این جور چیزها رو حفظ میکنه و به خاطر می‌سپاره! پس خیال یه جورایی از حس هم مهمتره! چون اگه نباشه نه آدرس خونمون یادمون می‌مونه و نه قیافه کسایی که می‌شناسیم!

• وجود وهمی:

بعد از خیال هم میشه وهم که تا دلتون بخواد نمونه‌هاش رو دور و برمون می‌بینیم. از مامانی که به خاطر بچه‌اش حاضره جونشم بده تا فوتبالیستی که واسه برنده شدن کشورش حس غرور داره و به خودش افتخار میکنه! این وجود وهمی که شامل عشق و محبت و ترس و کینه و افتخار و این‌جور چیزها میشه، نه فقط مثل خیال شکل و شمایل نداره، که یه چیز کاملاً هم شخصی حساب میشه! یعنی همیشه وابسته به یه چیز یا یه کس دیگه‌ست، واسه همینم مثل خیال یه چیز کلی نیست! ولی خب انقدری قدرتش زیاده که داره دنیا رو می‌چرخونه!

• وجود عقلی:

این نوع از وجود هم که یه پله بالاتر از وجود وهمیه، مربوط به علم و اکتشاف و اختراع و این جور چیزها میشه! حالا درسته که وجودی عقلی هم مثل وجود وهمی دیده نمیشه! ولی خب هرچی که دیده نمیشه رو که نمیشه انکار کرد! بالاخره یه عقلی هست که داره این همه هواپیما و سفینه و این جور چیزها میسازه و روز به روز زندگی ما رو راحت‌تر میکنه!

ولی فرق بزرگی که وجود عقلی با وجود وهمی داره اینه که دیگه شخصی نیست! یعنی یه فرمولی که کشف میشه واسه همه کار میکنه و واسه ما و بقیه فرقی نداره!

■ فرق هستی و نیستی!

تا الان چهار مدل از انواع وجود رو شناختیم و گفتیم هستی یا وجود چیه! که همیشه یه چیز حقیقی که هست و میتونه اثر بذاره! برعکسش چی میشه؟ همیشه نیستی که البته بعضیا بهش عدم هم میگن!

خب ما کلا توی این عالم یه هستی و وجود داریم که حقیقیه و هست! نقطه مقابل هم نداره! چرا؟ چون نیستی اگه باشه! دیگه خودش هم میشه هستی! حالا اگه سر در نمیاری چی داریم میگیریم هم مجله مربوط به نیستی، هم مجلات دسته خدارو بشناس میتونن کمکت کنن و هم کهکشان درونی که اینجا برات گذاشتیم:

■ خدارو بشناس



کهکشان
درونی

QR کد را اسکن کنید.



■ بالاخره خدا کیه؟

این وجودی که کل عالم رو گرفته، یه چیزیه تیکه و یکپارچه و بی‌نهایت؛ اصلا همه انواع مختلف وجود، یعنی وجود حسی، خیالی، وهمی، عقلی و فوق عقلی همه شون انواع مختلف وجودن که فقط توی شکل‌های مختلفی جلوه کرده و خودش رو به مدل‌های مختلف نشون داده!

ولی خب وجود نه فقط یکپارچه و بی‌انتهاست، که شروع و پایانی هم نداره و به هیچ چی خارج از خودش هم نیازی نداره، یعنی بی‌نیاز مطلقه!

و جالبه بدونین که تنها کسی که هم یکتا و بی‌نهایت؛ هم شروع و پایان نداره و از همه مهمتر به هیچ کس هم هیچ احتیاجی نداره، اسمش فقط یه چیزه؛ خدا.

حالا اگه هنوزم میخواین بدونین خدا واقعا وجود داره یا نه؟ باید بگم خدا همون وجود فوق عقلی و بی‌نهایتیه که توی کل عالمه! همون هستی که همه جا

جریان داره و به شکل‌های مختلف می‌تونیم ببینیمش!

البته اینم بگما که الله تا وقتی به شکل بی‌نهایت، ما نه می‌بینیمش و نه

می‌تونیم باهاش ارتباط برقرار کنیم. فقط وقتی جلوه می‌کنه و خودش رو توی

قالب‌های مختلف نشون میده، می‌فهمیم کیه و چه اسم‌ها و صفت‌هایی داره!



خدا رو بشناس

QR کد را اسکن کنید.



■ به مربی واسه رسیدن به کمال!

پس ما با به خدای بی‌نهایت رو به روییم و کلی اسم؛ که هر کدوم از این اسم‌ها داره به بُعد از این خدای بی‌نهایت رو بهمون نشون میده! حالا از بین این همه اسم، کدوم اسم خدا داره این عالم رو میگردونه و باید با کدوم اسم شبیه خدا بشیم؟ اسم رب خدا!

در واقع رب همیشه مربی‌ای که میخواد عیب و نقص هامون رو برطرف کنه و ما رو به کمال برسونه! یعنی کمک کنه که شبیه خودش بشیم! که اگه فکر کردیم رسیدن به این شباهت به جز با تمرین و امتحان ممکنه، سخت در اشتباهیم! میدونین واسه خدا کاری نداره که همه بالا و پایین‌های زندگی مون رو صاف و صوف کنه! ولی خب ربوبیتش اجازه نمیده که ما رو خلق کنه و همین جور به حال خودمون ولمون کنه! واسه همین هم هرکسی رو بسته به اون ظرفیتی که داره، امتحان میکنه و توی سختی میذاره تا رشد کنه و به کمال برسه! پس اگه قدر این سختی‌ها رو بدونیم و بفهمیم خدا داره چجوری بهمون نگاه میکنه، میتونیم هم به خدا شبیه‌تر بشیم و هم به هدف خلقتمون نزدیک‌تر! دیگه هم واسمون سوال نمیشه که اگه خدا واقعا وجود داره! پس چرا واسه مشکل‌های دنیا کاری نمیکنه!



دوست‌های من



QR کد را اسکن کنید.

● بین طبقات بالایی، آسانسور با یه تِق ایستاد. همین رو کم داشتیم. بین زمین و آسمون گیر کردیم.

■ به چینش درست واسه آرزوها!

البته همیشه که هر مدلی خواستیم رفتار کنیم و هرجوری دلمون خواست آرزو کنیم و آخرش هم شبیه به خدا بشیم! بالاخره آرزوهای ما هم باید یه تناسبی با قد و قواره و حد و اندازه‌مون داشته باشن دیگه! ما آدمیم و وقتی آرزوهایمون توی اندازه آدمیزادی‌مون نباشن، کلا از حالت تعادل درمیایم و دیگه طبیعی

عمل نمی‌کنیم! درست مثل آدمی که جای دست و پاش عوض شده!

پس اگه قراره ته تهش به خدا برسیم و به خدا شبیه بشیم، باید آرزوهایمون هم با عشق‌های بخش انسانی و آدمیزادی‌مون هماهنگ باشن! یعنی الله و اهل بیت و تلاش واسه رسیدن به خدا رو بذاریم بالای لیست آرزوهایمون!

یه جورایی همه تصمیم‌ها و انتخاب‌ها و فکرها و رفتارها مون با خدا و انتظاری که آزمون داره تنظیم باشن!
حالا از کجا بفهمیم که آرزوهایمون رو درست چیدیم؟ از روی نشونه‌ها! چون اگه درست نچیده باشیمشون، حالمون خوب نیست! یعنی توی زندگی‌مون خوشحال و مهربون نیستیم و آرامش نداریم!



روستخام

- به اشتباه کوچیک باعث شد.
- فنجون قهوه روی کتاب رامین بریزه.



QR کد را اسکن کنید.

■ عاقل کیه؟

البته از هر کسی هم همیشه انتظار داشت عاقلانه رفتار کنه و همه تصمیم‌های زندگیش رو درست و به جا بگیره! درسته که خیلیا فکر میکنن دارن عاقلانه رفتار میکنن و کارشون درسته و حرف نداره، ولی خب بین آدم عاقل و آدم باهوش خیلی فرقه! آخه هرکی که دو دو تا چهارتا و حساب کتابش خوب بود و زرنگ‌تر بود که لزوما عاقل نیست! نمونه‌اش هم میشه این همه آدم خلفکار باهوش!

بالاخره عاقل هم واسه خودش یه تعریفی داره دیگه! که تعریف درستش رو هم فقط متخصصی که ما رو آفریده و میدونه مسیرمون چه شکلیه و از اون جایی که باید بریم هم خبر داره، میدونه! خب وقتی ما با یه ابدیت روبه روییم، همیشه یکی بیاد معیارهای عقل رو واسمون تعیین کنه که از اون دنیا هیچ چی نمیدونه!

• حالا معیارهای یه عقل سالم چیه؟

خب عقل سالم عقلیه که بین کم و زیاد، اونی که زیاده رو انتخاب می‌کنه و بین یه چیز موقتی و یه چیز نامحدود، میره سراغ نامحدوده! با این حساب اگه قرار باشه بین دنیا و آخرت هم یکی رو انتخاب کنه، قطعاً انتخابش آخرته! یعنی عقل یه آدم عاقل حکم میکنه که یه بهشت ابدی رو با دنیایی که تهش میخواد چهارتا بخش پایینی مون رو راضی کنه، عوض نکنه! پس از دید خدا ما هم وقتی عاقلیم که به سمت هدفی که خدا واسمون قرار داده حرکت کنیم، نه کمتر و نه بیشتر!